

گفتگو با دکتر منوچهر پایور و دکتر مهدی ذاکریان

سقوط بغداد؛

پیش زمینه‌ها و پیامدها

گفتگو از: امیر موسوی

هدف سیاسی خاص استفاده می‌کند، می‌گوییم کار آن دولت سیاسی بوده است. آمریکا همین کار را کرده است برای اینکه به دنیا بگوید فصل تازه‌ای از روابط بین‌الملل رقم خورده است و همه باید به این موضوع توجه داشته باشند؛ مثل یک آماده‌باش یا زنگ خطر. اگر موضوع، نفت بود که اروپاییها بیشتر از آمریکا به نفت منطقه احتیاج دارند، ولی آمریکا به اندازه کمی به منابع نفتی خاورمیانه متکی است. ضمن آنکه آمریکا و اروپا از منابع دیگری مانند انرژیهای بادی و اتمی هم استفاده می‌کنند. البته آمریکا همیشه به منابع نفتی خاورمیانه نظر داشته است، اما بحث این است که این موضوع چقدر برایش اهمیت داشته است؟

□ مصاحبه با دکتر منوچهر پایور

○ به نظر شما، مهم‌ترین دلایل حمله آمریکا به عراق چیست؟

● مثل تمامی موارد دیگر، می‌توان از دیدگاههای مختلف نگاه کرد و بحث کرد. من فکر می‌کنم مسئله این نیست که آمریکا به دنبال استفاده از منابع نفتی عراق باشد یا صرفاً امنیت خود را تأمین کند. این موضوعات اصلاً مطرح نیست. فرضیه من این است که آمریکا برای رسیدن به یک هدف سیاسی عمده این کار را کرده است. حالا این هدف چیست؟ وقتی که دولتی از ابزارهای خشونت‌آمیز برای رسیدن به یک



اقتصادی ندارد، چون سازمان ملل، بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول و سازمان تجارت جهانی به دنبال سیاستهای درهای باز و خصوصی سازی و... هستند که همان اهداف آمریکاست. به نظر من، بحث سیاسی مهم تر است.

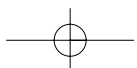
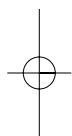
○ از لحاظ امنیتی چگونه؟

● از لحاظ امنیتی، ایران با توجه به تسلطی که آمریکا بر عراق دارد، از همه طرف احاطه شده است. آمریکا اکنون می تواند بیشتر از گذشته به ایران صدمه بزند چون همسایگان ما هم در جنوب و شمال و هم در شرق و غرب متحدان آمریکا به حساب می آیند. می توانیم بگوییم ایران از لحاظ امنیتی در موقعیت بدی قرار گرفته است و این امر برای آمریکا سود دارد.

البته عده ای گفته اند که سیاست خارجی آمریکا مبتنی بر اصل «بازدارندگی» است و حمله آمریکا به عراق هم بر این اساس بوده است، ولی بسیاری از محققان بارها متذکر شده اند که این اصل چندان مبنای منطقی ندارد. آمریکاپس از جنگ جهانی دوم، در واقع، یک استراتژی سیاسی را برای شکست دادن دشمنان خود در عرصه بین المللی در پیش گرفت و آن، «بازدارندگی» بود، که از لحاظ نظری بارها زیر سؤال رفته است. طبق عقل سلیم، وقتی در کشوری مثل ایران یا شیلی دولتی بر سر کار است که مثلاً تروریست است یا به حقوق بشر احترام نمی گذارد، نمی تواند از لحاظ امنیتی برای آمریکا خطری ایجاد کند که متوسل به اصل بازدارندگی شویم.

آمریکا ثابت کرده است که به حفظ امنیت صدور نفت از خلیج فارس، علاقه مند است و سود می برد، ولی این موضوع را بزرگ کرده اند. اساساً تجارت، آن هم تجارت نفت، برای آمریکا آنقدر مهم نیست. آمار و ارقام اقتصادی نشان می دهد که آمریکا بیشترین سود را از معاملات پولی و مالی و سرمایه گذاری در بخش صنعت می برد، نه از طریق تجارت. اگر به کشوری مثل ایران نگاه کنید، یک بورژوازی تجاری وجود دارد که نقش اساسی را در اقتصاد دارد و در سیاستگذاری دولت هم مؤثر است، ولی امروزه سرمایه داری عوض شده است. آنانی که بر بحث نفت تأکید می کنند، توجه ندارند که امروزه معاملات پولی و سهام برای آمریکا ارزش پیدا کرده است و تجارت نفت یا سرمایه گذاری در بخش صنعت نفت دیگر کشورها چندان مهم نیست. اگر راجع به ۱۰۰ یا ۲۰۰ سال پیش صحبت می کردیم، طبیعی بود که آمریکا و انگلیس به دنبال تجارت مواد خام بروند، ولی امروزه این گونه نیست. کسانی که تجارت نفت را برای آمریکا مهم می دانند، شناخت دقیقی از نظام سرمایه داری ندارند. باید توجه داشت که آمریکا سالهاست که به اهداف اقتصادی خود رسیده است و سالهاست که تلاش می کند سرمایه داری در جهان رشد و گسترش پیدا کند. امروزه همه کشورها به این موضوع احترام می گذارند و تابع سرمایه داری شده اند. پس، به نظر من، تجارت آنقدرها مهم نیست و آمریکا هم دیگر نیازی به جنگ برای اهداف

۳۳



عراق، آمریکا و شهروندان تهرانی

در یک نظرسنجی که قبل از آغاز حملات آمریکا به عراق توسط یکی از مؤسسات افکارسنجی داخلی به انجام رسید از پاسخگویان تهرانی خواسته شد تا نظراتشان را درباره اهداف آمریکا از حمله به عراق را بیان کنند. مهم ترین مواردی که پاسخگویان ذکر کرده اند عبارت است از: قدرت نمایی آمریکا و اعمال دیدگاههای خود در منطقه، کنترل ایران، کسب منافع بیشتر و غارت کشورهای آسیایی، استفاده از ذخایر نفتی عراق، از بین بردن اسلام در منطقه خلیج فارس، تسلط بر کشورهای عربی، نجات مردم عراق و حذف صدام، حمایت از اسرائیل و فروش تسلیحات نظامی.

۱- براساس این تحقیق ۶۰/۸ درصد پاسخ دهندگان با دلیل آمریکا برای حمله به عراق تحت عنوانین: نجات مردم عراق و حذف صدام مخالفند، ۱۳/۴ درصد موافق و ۱۹/۸ درصد تا حدودی موافق هستند و ۶ درصد نیز اعلام نظر نکرده اند. ۵۸/۴ درصد نیز با بهانه آمریکا در حمله به عراق مبنی بر مبارزه با تروریسم «مخالف» هستند و ۱۲/۳ درصد «موافق» و ۱۹/۸ درصد «تا حدودی» موافق هستند.

۲- ۴۶/۳ درصد شهروندان عدم همکاری عراق با سازمان ملل را به عنوان دلیل حمله آمریکا به عراق قبول ندارند. ۳۷/۶ درصد معتقدند که این امر می تواند تا حدودی به عنوان دلیل حمله آمریکا به عراق باشد و ۱۲/۶ درصد نیز

←

اگر این کشورها قدرتی مانند قدرت شوروی سابق داشتند، آن وقت می شد گفت که امنیت آمریکا در خطر قرار گرفته است، بنابراین دخالت آمریکا در عراق نمی تواند مبتنی بر یک خطر بوده و از جنبه امنیتی برخوردار باشد. همچنان که گفته شد، مسئله این است که آمریکا بتواند به عنوان قدرت درجه اول دنیا به یک سلسله اهداف سیاسی در عرصه بین المللی برسد. توضیح بیشتر این اهداف اینکه آمریکا بعد از دهه ۱۹۹۰ دشمن اصلی خود را از دست داد و جنگ سرد پایان گرفت. حالا کشورهایی مانند ایران، عراق و کره شمالی دشمنان اصلی شده اند و آمریکا می خواهد جلوی اینها را بگیرد. لذا آمریکا این کشورها را شرور و تروریست می خواند و اینکه طالب دموکراسی نیستند یا حقوق بشر را رعایت نمی کنند. آمریکا با دخالت در عراق سعی کرده که به دیگر کشورها نشان دهد که از این پس باید بیشتر از گذشته به سخنان آمریکا و غرب گوش بدهند. طرح سیاسی آمریکا در واقع این بود که همه دنیا متوجه شود این کشور، در جهان امروز، می تواند حتی بدون حمایت حامیان قدیمی خود، بعضی از دولتها را کنار بگذارد و از جلوی پای خود بردارد.

○ پیامدهای این حمله برای کشورهای

منطقه، به ویژه ایران، چیست؟

● ایران در شرایط سخت تری قرار گرفته است و از لحاظ استراتژیک، اقتصادی و سیاسی در موقعیت چندان مناسبی قرار ندارد. کشورهای



دنیا را باید متوجه این امر کند که در جهانی تک قطبی زندگی می‌کنیم، آمریکا در حال یکه تازی است و کشورها باید از انعطاف لازم برخوردار باشند تا بتوانند در این بازی که به ریاست آمریکا است، به منافع خود برسند. حال، هر کشوری مثل ایران که نمی‌خواهد اصالت فرهنگی خود را از دست بدهد، باید بداند که از این پس، متحمل فشارهای زیادی می‌شود.

○ آیا آمریکا می‌تواند به اهداف خود در

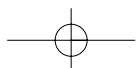
خاورمیانه دست یابد؟

● طرح مبارزه با شرارت به دلیل اینکه با توسل به زور اجرا می‌شود، طرح زیاد درستی نیست. بالاخره کشورها باید در درازمدت از لحاظ فرهنگی تفاهم پیدا کنند تا بتوانند با هم همکاری کنند. یک کشور نمی‌تواند با توسل به زور به کشورهای دیگر بگوید چه بکنند. لذا مبارزه آمریکا در درازمدت نتیجه‌بخش نیست، البته پیروزی‌هایی خواهد داشت و آمریکا قطعاً به برخی از اهداف خود در منطقه نزدیک می‌شود، چون همین الان می‌تواند روی همکاری بسیاری از کشورها حساب کند. به تدریج با تضعیف نهضت فلسطین و تقویت اسرائیل و سرعت گرفتن روند تغییر و تحول فرهنگی طبق الگوی غربی، آمریکا به تقویت نظام سرمایه‌داری و نظام‌های دموکراتیک در داخل کشورها کمک بیشتری می‌کند تا از این لحاظ به بعضی از اهداف و منافع خود برسد. اما غرب هیچگاه نتوانسته است که از لحاظ فرهنگی بر کشورهای منطقه

همسایه عموماً متحد آمریکا هستند و ایران نمی‌تواند مثل گذشته از حمایت بسیاری از کشورها برخوردار شود. در نظام بین‌المللی فعلی بعضی از کشورها حرف اول را می‌زنند که با ما بد هستند و خیلی از کشورها هم، خواه ناخواه، پیرو اینها هستند. تنها فاکتوری که برای ایران نتایج خوبی به همراه دارد، برداشت اروپا از ایران است. به نظر می‌آید که اروپاییها در همکاری صادق‌تر هستند و واقعاً معتقدند که ایرانیها تروریست نیستند و آمریکا یا هر کشور دیگری نباید به ایران زور بگوید. شاید بتوانیم روی همکاری اروپا بیشتر حساب کنیم. چون به همکاری کشورهای دیگر نیاز داریم، برای این کار، ناچاریم که انعطاف نشان دهیم و احتمالاً امتیازاتی به کشورهای دیگر بدهیم. برای کشورهای منطقه، موضوع فرق می‌کند. به نظر می‌آید که جنبش فلسطینیها صدمه دیده است، به دلیل آنکه عراق از گروه‌های افراطی حمایت می‌کرد و اکنون دچار تحول شده است. با نفوذ بیشتر آمریکا و اسرائیل در منطقه، کشورهای عربی، بیش از گذشته، به ناچار در وضع تدافعی قرار گرفته‌اند. بنابراین با شکست عراق موقعیت کشورهای عرب خاورمیانه هم بدتر شده است.

آمریکا همچون سالهای گذشته برای رسیدن به دو هدف عمده خود در خاورمیانه اقدام خواهد کرد: ایجاد دموکراسی که یک نظام غربی است، تقویت نظام سرمایه‌داری. از نظر آمریکا، موضوع مداخله در عراق، کشورهای

۱۲۰



عدم همکاری عراق را به عنوان دلیل حمله آمریکا قبول دارند.

۳- در خصوص ارزیابی توانایی نظامی عراق، ۷۷٪ درصد بر این باورند که توانایی عراق برای مواجهه نظامی با آمریکا «در حد کم» و «بسیار کم» است. ۲۴٪ درصد توانایی عراق برای مواجهه نظامی با آمریکا را در حد «زیاد» و «بسیار زیاد» ارزیابی کرده اند.

۴- در مورد پیش بینی احتمال موفقیت آمریکا در سرنگونی صدام تعداد ۶۹٪ درصد شهروندان تهرانی بر این باورند که اگر آمریکا به عراق حمله کند احتمال موفقیتش در سرنگونی صدام در حد «زیاد» و «بسیار زیاد» می باشد. ۲۶٪ درصد نیز معتقدند که احتمال موفقیت آمریکا در سرنگونی صدام در حد «کم» می باشد و ۴ درصد نظری ندارند.

۵- در خصوص نحوه واکنش کشورهای عرب منطقه در قبال حمله آمریکا به عراق ۲۴٪ درصد اظهار داشته اند که در صورت حمله آمریکا به عراق کشورهای عرب منطقه در قبال آن اعلام بی طرفی خواهند کرد. ۳۸٪ درصد معتقدند که در صورت حمله آمریکا به عراق کشورهای عرب منطقه از عراق حمایت خواهند کرد و ۱۷٪ درصد نظرشان بر این است که در صورت حمله آمریکا به عراق کشورهای عرب منطقه از آمریکا حمایت خواهند کرد. ۵٪ درصد نیز در این خصوص اظهار نظر نکرده اند.

۶- در خصوص پایگاه نظامی آمریکا برای حمله به عراق بیشترین تعداد پاسخگویان یعنی ۴۸٪ درصد معتقدند که چنانچه آمریکا به عراق حمله کند کشور ترکیه را به عنوان پایگاه اصلی خود قرار خواهد داد. ۱۲٪ درصد اسرائیل را پایگاه اصلی آمریکا می دانند و ۱۸٪ درصد

←

سیطره پیدا کند، چون این کشورها از لحاظ فرهنگی ضعیف نیستند، به ویژه ایران.

در یک جمع بندی، اگرچه از لحاظ اقتصادی و سیاسی، با پیدایش نظامهای دموکراتیک سرمایه دار، آمریکا به تدریج به موفقیتهایی دست می یابد، ولی این کشور از لحاظ فرهنگی نمی تواند به سادگی تأثیرگذار باشد.

□ مصاحبه با دکتر مهدی ذاکریان

○ عراق، مانند هر دولتی، عضو

تعدادی از کنوانسیونهای مربوط به

حقوق بشر بوده است. ارزیابی جامعه

جهانی از عملکرد این کشور در مورد

حقوق بشر، تا پیش از تغییر رژیم، چه

بوده است؟

● حقوق بشر یکی از مباحثی است که به ندرت می توانیم درباره مباحث مربوط به آن در جامعه جهانی اجماع پیدا کنیم، اما در مورد عراق به طور ویژه همه اجماع دارند که: ۱- صدام، دست کم پس از پایان جنگ دوم خلیج فارس، دیکتاتور است؛ ۲- حقوق ملت عراق نقض شده است شامل کردها در شمال عراق که نقض حقوق بشر به صورت آشکاری صورت گرفت. کشتار حلبچه نمونه بارز آن است و از آن به عنوان یک فاجعه شیمیایی یاد می شود، گفتنی است که این موضوع در ابتدا با

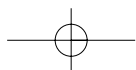


آنها هیچ ارزش و پایه‌ای نداشت، در ادبیات حقوق بشر به چنین رفتارهایی مشارکت سیاسی نمی‌گویند. این یک بیگاری سیاسی است. در اینجا ظاهراً دموکراسی وجود دارد و انتخابات آزاد است، ولی این گونه رأی دادن پدیده‌ای کاملاً مخدوش است. پارلمان هم به همین صورت، پارلمان بود و حتی زنان هم در آن عضویت داشتند، ولی این، یک پارلمانی مردمی، که نماینده تقاضاهای رسمی و واقعی مردم عراق باشد، نبود، بلکه تنها برنامه‌های دیکته شده نخبگان اجرایی را تأیید می‌کرد. برای همین در مباحث کلان این کشور ما حتی کمترین چالشی را میان پارلمان و نخبگان سیاسی و اجرایی ندیدیم. این موضوع نشان‌دهنده نقض یا نبود دموکراسی واقعی است؛ ۴- وجود سیستمهای بسیار قوی اطلاعاتی و جاسوسی مثل جهاز الامن الخاص، استخبارات، مدیریة الامن و... گفته می‌شود که چیزی حدود ۵ یا ۶ دستگاه اطلاعاتی در آن کشور وجود داشته است. این فاکتورها جامعه جهانی را به این اجماع رساند که عراق، اصول حقوق بشر را، دست کم از سال ۱۹۹۱ به بعد، رعایت نمی‌کند.

این وضعیت کلی و سیاسی داخل عراق بود، اما به لحاظ حقوقی و تعهدات حقوقی، عراق در قبال جامعه جهانی متعهد به انجام چه تعهداتی در داخل بوده است؟ عراق عضو یکی از مهم‌ترین پیمانها بود؛ یعنی «پیمان نامه بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی» که آن را در

سکوت کشورهای بزرگ مواجه شد. غیر از آن می‌توانیم به نبود مشارکت سیاسی اقلیت کرد در ساختار سیاسی عراق اشاره کنیم، یا به فشارهای اقتصادی و اجتماعی نسبت به کردها و رفتارهای نامناسب در قبال کردها در حالی که عراق بیشترین بهره‌برداری نفتی را از مناطق کردنشین انجام می‌داد. حقوق کردهای عراق که شهروندان این کشور بزرگ هستند، هیچ وقت رعایت نشد. فاکتور بعد، شیعیان جنوب عراق هستند. نارضایتی شیعیان جنوب با سرکوب همه‌جانبه بعثیها مواجه شد و درباره این موضوع نیز نیروهای پیروز جنگ دوم خلیج فارس سکوت کردند و جامعه جهانی برای جلوگیری از سرکوب مداخله مؤثری نکرد. ایجاد مناطق امن اقدامی لازم بود، ولی عملیاتی که به منظور حفظ حقوق کردهای شمالی و شیعیان جنوب لازم بود صورت نگرفت؛ ۳- ساختار سیاسی و اجتماعی عراق غیردموکراتیک است، به این معنی که در آن، احزاب به معنای واقعی کلمه وجود نداشت، مطبوعات و رسانه‌های آزاد و مستقل وجود نداشت، افکار عمومی در راستای منافع حاکمان هدایت می‌شد و فراندومها و انتخابات حالت صوری و شکلی داشت. در همین راستا، عدم تربیت و رشد مردم در شناخت حقوقشان یکی از موارد نقض حقوق بشر است. مردم نمی‌دانستند انتخابات آزاد و فراندوم واقعی یعنی چه؟ آن ۹۹ درصدی که به صدام رأی دادند در واقع رأی

۳ :



کشور کویت را ذکر کرده‌اند.

۷- در مورد پیش‌بینی احتمال حمله عراق به اسرائیل ۵۷۳ درصد معتقدند که احتمال حمله عراق به اسرائیل در صورت حمله آمریکا به عراق در حد «کم و بسیار کم»، ۳۷۶ درصد احتمال حمله به اسرائیل را توسط عراق «زیاد و بسیار زیاد» ذکر کرده‌اند و ۱۰/۱ درصد گزینه «نمی‌دانم» را انتخاب کرده‌اند.

۸- در زمینه میزان رضایت مردم عراق از صدام، ۵۸ درصد پاسخگویان معتقدند که مردم عراق در حد «کم و بسیار کم» از صدام حسین رضایت دارند، ۲۶/۵ درصد نیز بر این باورند که مردم عراق تا حد «زیاد و بسیار زیاد» از صدام حسین رضایت دارند و ۱۵/۵ درصد نیز گزینه «نمی‌دانم» را ذکر کرده‌اند.

۹- مهم‌ترین مواردی که پاسخگویان درباره هدف آمریکا پس از حمله به عراق بیان داشته‌اند عبارت است از: حمله به ایران، تسلط بر آسیا (خاورمیانه)، ایجاد پایگاه نظامی در کشور عراق و حمله به کشورهای دیگر، ایجاد ترس و وحشت بین کشورهای اسلامی، جایگزین کردن حکومت دست‌نشانده در عراق و استفاده از ذخایر نفتی عراق.

۱۰- در زمینه میزان موافقت پاسخگویان با حمله آمریکا به عراق تعداد ۸۵ درصد «مخالف»، ۸ درصد «تاحدودی» موافق و ۷/۶ درصد «کاملاً موافق» حمله آمریکا به عراق هستند. ۳/۴ درصد نیز نظری اعلام نکردند.

۱۱- در خصوص پیامدهای تهدیدآمیز حمله آمریکا به عراق برای ایران بیشترین تعداد پاسخگویان یعنی ۴۸ درصد بدین باورند که جمهوری اسلامی ایران در صورت حمله آمریکا به عراق «کاملاً» مورد تهدید قرار خواهد گرفت. ۳۹/۹ درصد معتقدند که این تهدید نسبت به

←

۲۵ ژانویه ۱۹۷۱ به تصویب رساند. برپایه این پیمان‌نامه، عراق بایستی حقوق مدنی و سیاسی افراد شامل حق حیات، عدم شکنجه و تعقیب به خاطر عقاید سیاسی، آزادی بیان، و حق تشکیل احزاب را به رسمیت بشناسد، اما رژیم بعثی عراق در طول حیاتش هیچگاه این حقوق را عملاً به رسمیت نشناخت. حتی در این پیمان‌نامه، بند ۲ ماده ۴ اعلام می‌کند که «کشورها به هیچ وجه نمی‌توانند مفاد بعضی از مواد این پیمان‌نامه را نقض کنند، ولو اینکه درحالت ویژه (فورس ماژور) جنگ یا شورش باشند». اصطلاحاً به این حقوق «اصول بنیادین حقوق بشر» یا «Noyau dur» گفته می‌شود که هیچ کشوری نمی‌تواند آنها را در هیچ شرایطی نقض یا تعطیل کند که عبارت‌اند از: حق حیات، ممنوعیت شکنجه، ممنوعیت بردگی، عدم کار اجباری، منع بازداشت به خاطر یک تعهد حقوقی، عدم تعقیب به خاطر انجام فعالیتی در گذشته، که در آن هنگام جرم محسوب نمی‌شد، برخورداری از یک شخصیت حقوقی، و آزادی بیان و مذهب. اتفاقاً عملکرد رژیم عراق نشان‌دهنده بیشترین نقض و تجاوز آشکار و روشن در زمینه همین موارد بود.

به لحاظ تعهد حقوقی روشن است که عراق، پیمان‌نامه بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی را باخواست خود تصویب کرد و سپس آن را نقض نمود. همین‌طور کنوانسیونهای دیگری مانند پیمان‌نامه بین‌المللی حقوق



بین‌المللی بود. البته عراق بعضی از ژستهای رفع تبعیض علیه زنان، کنوانسیون حقوق کودک که عملکرد و رفتار دولت عراق نشان می‌دهد که بسیاری از مفاد اینها هم نقض شده است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که نسبت به این موضوع که عراق اصول حقوق بشر و تعهدات بین‌المللی‌اش نسبت به حقوق بشر را نقض کرده است یک اجماع بین‌المللی وجود دارد. رژیم بعثی عراق در زمان حیات خود، هم به لحاظ سیاسی و هم به لحاظ حقوقی، حقوق بشر را در داخل کشور خود مورد تعدی قرار داده است.

حقوق بشر از خود نشان داد و چون با منطق تهیه و تصویب قطعنامه‌های حقوق بشری آشنا بود، برای همین در بسیاری از زمانها کمتر مورد هجوم مجامع بین‌المللی قرار می‌گرفت؛ به عنوان نمونه فشاری که کمیسیون حقوق بشر به کوبا و ایران در مورد نقض حقوق بشر وارد می‌کرد، بیشتر از فشار به عراق بود. عراقیها می‌دانستند که به لحاظ سیاسی و دیپلماتیک چگونه فعالیت و عمل کنند.

این فعالیت عراقیها از جنبه سیاسی و تبلیغی مؤثر بود، ولی روشنفکران، پژوهشگران و دانشگاهیان دنیا که در زمینه حقوق بشر فعال بودند، می‌دانستند که عراق کشوری نیست که حقوق بشر را بالفعل در جامعه خود رعایت کند یا حتی مورد توجه قرار دهد. اگر بخواهیم فعالیت نمایندگان رژیم عراق را

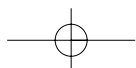
اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان، کنوانسیون حقوق کودک که عملکرد و رفتار دولت عراق نشان می‌دهد که بسیاری از مفاد اینها هم نقض شده است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که نسبت به این موضوع که عراق اصول حقوق بشر و تعهدات بین‌المللی‌اش نسبت به حقوق بشر را نقض کرده است یک اجماع بین‌المللی وجود دارد. رژیم بعثی عراق در زمان حیات خود، هم به لحاظ سیاسی و هم به لحاظ حقوقی، حقوق بشر را در داخل کشور خود مورد تعدی قرار داده است.

○ از فعالیت نمایندگان این کشور در جامعه بین‌المللی، تا قبل از تغییر رژیم عراق، چه ارزیابی می‌توان به عمل آورد؟

● این فعالیتها را می‌توانیم به دو مرحله تقسیم کنیم: ۱- زمان جنگ ایران و عراق تا حمله به کویت؛ ۲- پس از جنگ دوم خلیج فارس.

از این لحاظ که حقوق بشر به شدت از سیاست و نفوذ قدرتهای بزرگ اثرپذیر است، در مرحله اول، متأسفانه نمایندگان رژیم عراق می‌توانستند فعالیت و حضور خود را در صحنه بین‌المللی در زمینه رعایت حقوق بشر و پیمان‌نامه‌های بین‌المللی حقوق بشر تا اندازه‌ای موفق یا حتی ممتاز نشان دهند، و این هم به خاطر هماهنگی عراق با سیاستهای

۱۲۴



ایران در حد «متوسط» می باشد و ۱۰/۱ درصد هیچ گونه تهدیدی را نسبت به ایران احساس نکرده اند.

۱۲- در مورد موضع گیری ایران در قبال حمله آمریکا به عراق میزان ۶۳/۳ درصد اظهار داشته اند که در صورت حمله آمریکا به عراق بهتر است موضع ایران اسلامی بی طرفی باشد. ۲۷/۵ درصد بر این باورند که در صورت حمله آمریکا به عراق، کشور جمهوری اسلامی بهتر است از عراق حمایت کند و تنها ۲/۷ درصد اعلام کرده اند که در صورت حمله آمریکا به عراق، کشور ایران بهتر است از آمریکا حمایت کند. ۶/۵ درصد نیز به سایر موارد اشاره کرده اند.

۱۳- در زمینه تأثیر سقوط حکومت عراق بر ایران ۴۷/۱ درصد پاسخگویان سقوط حکومت صدام حسین را به ضرر جمهوری اسلامی ایران دانسته اند، ۳۰/۸ درصد بر این باورند که سقوط حکومت صدام فرقی به حال کشور ندارد. ۱۹/۴ درصد معتقدند که سقوط حکومت صدام به نفع کشور ماست و ۸/۷ درصد نیز گزینه «نمی دانم» را انتخاب کرده اند.

یک گزارش نظرسنجی دیگر، که چند ماه پیش از آن در تهران به انجام رسید، موضوع ذکر نام ایران به عنوان محور شرارت در کنار عراق و کره شمالی از سوی آقای بوش رئیس جمهور آمریکا، را مورد پرسش قرار داد. نتایج این نظرسنجی حاکی است که:

۱- ۵۸ درصد از شهروندان قراردادن نام ایران را در کنار کشورهای چون عراق و کره شمالی توسط آقای بوش، توهین آمیز تلقی کرده اند. ۲۷/۷ درصد این موضوع را چندان با اهمیت ندانسته اند و ۴/۴ درصد نیز در این مورد اظهار نظر نکرده اند.

۲- ۸۳/۴ درصد از شهروندان اظهارات بوش را غیر واقعی

با معیار ماکیاولی ارزیابی کنیم، آنان دروغگوهای ماهری بودند که می توانستند در مقطعی به ظاهر حیثیت عراق و کشورشان را در مجامع بین المللی حفظ کنند، ولی اگر بخواهیم به لحاظ اخلاقی و علمی ارزیابی کنیم، می توانیم بگوییم که آنان به کشورشان و ملتشان خیانت کردند.

یک دیپلمات خوب در مقرراروپایی سازمان ملل کسی است که ضمن اینکه واقعیتهای جامعه خود را در نظر می گیرد و به این نکته توجه دارد که کشورش دارای چه امتیازات و کاستیهایی در زمینه حقوق بشر است با تعهد به منافع ملی کشورش و احساس مسئولیت نسبت به وطنش در مقرر سازمان ملل در ژنو سعی می کند که بیشترین رهافتها را با بهترینها و مناسبترین رهافتها را که با فرهنگ و مبانی معنوی و روانی کشورش هماهنگی دارد را انتخاب کند؛ انتخاب مثبت دستاوردهای حقوق بشری که کشورهای دیگر در آنجا به نمایش گذاشته اند. از آن جهت به مقرر اروپایی سازمان ملل اشاره می کنم که تمامی مراجع حقوق بشری این سازمان در ژنو مستقر است. در واقع دیپلمات خوب در آنجا کسی است که خلاصه دستاوردهای جامعه بین المللی در زمینه حقوق بشر را در آنجا ببیند، موفقیتهای دیگران را بشناسد، و گلچینی از آنها را به جامعه خود منتقل کند، نه اینکه سعی کند جامعه بین المللی را فریب دهد که واقعیتهای داخل کشورش کاملاً هماهنگ



است با آنچه که جامعه جهانی انتظار دارد، ولی عملاً چنین چیزی نباشد و نه اینکه آنقدر بی هویت و بدون شأن باشد که کاتولیک تر از

پاپ شده و رهیافتهای تاریخی و کهن خود را یک سره نفی کند. نماینده خوب در زمینه حقوق بشر، در ژنو، کسی است که در آنجا حضور پیدا کند و صادقانه بگوید که این کاستیها و دستاوردها را داریم، ولی علل این کاستیها مثلاً عدم همکاری سازمان ملل متحد یا کشورهای شمال یا عدم رشد جامعه یا شرایط خاصی است؛ یعنی دلایل واقعی را بگوید و صادقانه همکاری جامعه جهانی را برای رفع موانع بطلبد بدون اینکه منافع ملی یا حاکمیت کشورش را مخدوش کند. نمایندگان عراق هیچگاه بدین شکل وارد نشدند، بلکه سعی کردند که مدافع رفتارها و عملکردهای حاکمان سیاسی خود باشند که در رأس آنها، شخص صدام حسین بود. آنان سعی کردند که جامعه جهانی را از مسائل عراق منحرف کنند و فریب دهند. ارزیابی من به لحاظ علمی و اخلاقی این است که آنان، نمایندگان موفق و واقعی عراق نبودند.

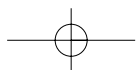
○ انتظار سازمان ملل متحد از عراق

پس از رژیم بعث در زمینه حقوق بشر چیست؟

● انتظارات سازمان ملل متحد از عراق پس از جنگ را در زمینه حقوق بشر می توانیم به دو قسمت تقسیم کنیم؛ انتظارات آنی، و انتظارات

درازمدت که سازمان ملل در آینده از عراق انتظار خواهد داشت. در مورد اول، نخستین و فوری ترین چیزی که سازمان ملل، و به طور ویژه کمیسیون حقوق بشر، انتظار دارد، آن است که حقوق بین الملل بشردوستانه باید در عراق رعایت شود که در واقع این نکته اشاره ای است به کنوانسیونهای چهارگانه ژنو (۱۹۴۹) که ناظر به رعایت حقوق غیرنظامیان و نیز نظامیانی که دیگر در جنگ نقشی ندارند می باشد. بحث این چهار کنوانسیون در مورد زخمیها، افراد غیرنظامی، زخمیهای جنگی، اسرا، اماکن غیرنظامی و بقیه مسائل انسان دوستانه است که باید مورد توجه قرار بگیرد. این نیاز فوری برای عراق امروز (یعنی عراق پس از جنگ) است؛ امروزه مشکل عراقیها آب آشامیدنی، بیمارستان، بهداشت، اسکان، مشکل اسرا و زخمیهاست که باید حل و رعایت شود ضمن اینکه نیروهای اشغالگر بر پایه این کنوانسیونها و پروتکلهای الحاقی آن موظفند تا با شهروندان عراقی، رفتارهای مدنی داشته باشند. دومین چیزی که سازمان ملل برای عراق تأکید می کند آن است که کلیه مایحتاج انسانی (دارو، غذا، پوشاک، برق، و آب) به طور فوری در اختیار عراقیها قرار گیرد و نباید تعلل شود. سومین نکته فوری این است که کمیسیون حقوق بشر از جامعه بین المللی و از کشورها درخواست می کند که مایحتاج مردم عراق را تأمین کنند. طبق اصول حقوق

۱۲۶



دانسته‌اند و در مقابل ۵۲ درصد آن را صحیح و ۱۷۳ درصد نیز در این خصوص اظهار بی‌اطلاعی کرده‌اند.

۳- در زمینه پیش‌بینی میزان و روند حمایت مردم آمریکا از اظهارات بوش علیه ایران، ۴۲/۸ درصد به کمتر شدن آن، ۲۲/۸ درصد به بیشتر شدن آن و ۱۷/۲ درصد به عدم تغییر آن رأی داده‌اند و ۳۲/۲ درصد نیز در این زمینه اظهار نظر نکرده‌اند.

۴- در بین عوامل مؤثر بر اظهارات بوش علیه ایران، شهروندان به ترتیب عوامل: حمایت ایران از گروه‌های مبارز فلسطینی و حزب الله (۷۷/۴ درصد)، فشار صهیونیستها (۶۶/۸ درصد)، تثبیت سلطه آمریکا بر سایر کشورها (۶۳/۸ درصد)، ترس از بهبود موقعیت جمهوری اسلامی در سطح بین‌المللی (۵۳/۸ درصد)، نفوذ ایران در افغانستان (۵۳/۶ درصد)، انحراف افکار عمومی مردم آمریکا از مسائل داخلی (۴۷/۵ درصد) و مجبور کردن ایران به مذاکره مستقیم (۴۷/۹ درصد) را مورد اشاره قرار داده‌اند.

۵- در خصوص نگرش نسبت به رفتار دولت آمریکا در سطح بین‌الملل، ۸۷/۸ درصد شهروندان دولت آمریکا را غیرقابل اعتماد، ۷۹/۵ درصد ضد حقوق بشر، ۷۲/۷ درصد غیر دموکراتیک، ۹۰/۳ درصد جنگ طلب، ۸۶/۴ درصد بی‌اعتنا به اخلاق انسانی، ۸۴/۴ درصد بی‌اعتنا به مقررات و قوانین بین‌المللی و ۸۹/۴ درصد فاسد تلقی کرده‌اند.

۶- ۴۶/۳ درصد پاسخگویان، میزان هماهنگی نظر مسئولین کشور را در خصوص نحوه موضع‌گیری در قبال اظهارات بوش «زیاد» و ۳۸/۴ درصد «کم» تلقی کرده‌اند و ۱۵/۳ درصد نیز در این زمینه نظری اظهار نکرده‌اند.

بین‌الملل کشورها متعهدند که در رابطه با حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و نیز در رابطه با کمک به رعایت حقوق بشر فعالیت کنند. براساس مفاد بند الف و ب و ج ماده ۵۵ و همچنین برپایه ماده ۵۶ منشور و با تغییر و استخراج بند ج ماده ۷۶ منشور ملل متحد، استخراج می‌کنیم که دولتهای عضو سازمان ملل موظفند که برپایه اصول حقوق بشر، مایحتاج مردم عراق را تأمین کنند، طبعاً در این زمینه بیشترین مسئولیت متوجه کشورهای شمال است که توان این کار را دارند. براساس منشور، اگر اصل تساوی حاکمیتها و اصل توان اقتصادی و اصل همکاری با سازمان ملل برای کمکهای انسان دوستانه را مدنظر قرار دهیم، کشوری مثل افغانستان در مقایسه با بریتانیا یا فرانسه یا آمریکا تعهد کمتری در برابر مایحتاج عراق دارد، همین‌طور کشور ما. ایران در مقایسه با آمریکا، ژاپن و دیگران تعهد کمتری برای تأمین مایحتاج عراقها دارد که از «اصل معدلت» در حقوق بین‌الملل هم این‌گونه استخراج می‌شود.

مورد دیگری که جزء انتظارات آنی است اینکه باید به عراقها برای برپایی نهادهای آزاد و دموکراتیک کمک شود، در واقع، تلاش شود که نهادهای مدنی و احزاب و رسانه‌های گروهی مستقل و بقیه پارامترهایی که برای یک جامعه آزاد مورد نیاز هست، به وجود آید. همه این پارامترها اتفاقاً در ۲۵ آوریل ۲۰۰۳ طی یک قطعنامه به تصویب کمیسیون حقوق



بشر رسید و یک تعهد سیاسی و حقوقی را برای اعضای سازمان ملل متحد ایجاد کرد. برای آنکه نظارتی جدی در مورد همه این مباحث در عراق به وجود آید، کمیسیون یک کار قابل تقدیر دیگر هم انجام داد و آن، تمدید مأموریت گزارشگر ویژه وضعیت حقوق بشر در عراق برای یک سال دیگر است که می تواند برای ملت عراق و برای تشکیل حکومتی آزاد و دموکراتیک در آن کشور مفید باشد. همین طور قطعنامه ۱۴۸۳ شورای امنیت از دبیرکل سازمان ملل درخواست کرده است که نماینده ویژه سازمان را در امور عراق منصوب کند که رئیس کمیساری عالی حقوق بشر از سوی دبیرکل متصدی این مسئولیت شده است.

اما بعضی از انتظارات سازمان ملل متحد از عراق فوری و آنی نیست، بلکه برای آینده است و البته برای همه کشورهای است. فعلاً عراق این زمینه را بالقوه پیدا کرده است، از این رو فعالیت و تبلیغ بیشتری می شود. این انتظارات عبارت است از اینکه: ۱- عراق به همه کنوانسیونهای حقوق بشری بپیوندد که در واقع ۱۲ کنوانسیون حقوق بشری است و ایده آل سازمان ملل آن است که یک کشور همه را تصویب کند و بدانها بپیوندد؛ ۲- عراق اصل جهان شمولی حقوق بشر، اصل همبستگی همه حقوق بشر، اصل رابطه متقابل همه اصول حقوق بشر و اصل بدیهی بودن همه حقوق بشر را بپذیرد؛ ۳- همکاری عملی، گسترده و پایدار از طرف عراق با

کمیساریای عالی حقوق بشر به وجود آید. چند نکته دیگر هم هست که سازمان ملل علاقه مند است که در عراق سرمایه گذاری کند؛ مانند پیوستن به کمیته حقوق بشر، به این معنی که عراق نخستین پروتکل الحاقی پیمان نامه حقوق مدنی و سیاسی را تصویب کند تا براساس آن، شهروندان عراقی بتوانند در صورت احساس نقض حقوقشان از دولت عراق به این کمیته شکایت کنند. دیگری، الغای مجازات مرگ است که خیلی هم ایده آل سازمان ملل است و این سازمان حتماً در مورد آن سرمایه گذاری می کند که اعدام حداکثر در موارد خیلی سنگین صورت بگیرد (دومین پروتکل الحاقی حقوق مدنی و سیاسی)، در حالی که در زمان صدام، در مواردی ساده مانند قاچاق کالا یا احتکار ارزاق یا اظهارات سیاسی اشخاص به راحتی اعدام می شدند.

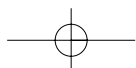
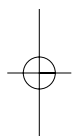
○ برنامه های نیروهای ائتلاف در

زمینه حقوق بشر در عراق چیست؟

● این نکته برای ما روشن است که نیروهای ائتلاف مواردی را که به عنوان بزرگ ترین ابزار مشروع سازی جنگ اعلام کردند، دموکراسی سازی در عراق و نابودی یک رژیم تروریستی، سازنده سلاحهای کشتار جمعی و ناقض حقوق بشر بود. آنها معتقدند کشوری که دموکراتیک نباشد، به این کارها روی می آورد.

در زمینه حقوق بشر، نخستین گام آنها

۱۲۸



سرنگون کردن صدام بود و اینکه همه وابستگان رژیم بعثی از قدرت خلع شوند.

برای همین پس از پیروزی یک فهرست ۵۵ نفره از افرادی را منتشر کردند که باید دستگیر شوند. دومین نکته برای آمریکا و بریتانیا، فراهم کردن زمینه برقراری دموکراسی در عراق است. بر همین مبنا آنها مشکلات و چالشهایی را داشتند و نمی توانستند مثل افغانستان عمل کنند، اجلاسی را مثلاً در «بن» تشکیل دهند و دولت موقتی را بر سر کار بیاورند و سپس انتخاباتی انجام شود یا شورایی تشکیل شود.

اگر این کار در عراق صورت می گرفت، دولت فوری متهم می شد به اینکه آمریکایی یا انگلیسی است. پس باید برای رسیدن به دموکراسی یک انتقال قدرت داشته باشیم و لذا گام به گام عمل می شود. این بار مدلی مثل آلمان و ژاپن پس از جنگ جهانی دوم برای عراق پیشنهاد شد؛ این بار جی. گارنر به جای مک آرتور، تا با همکاری گروههای معارض عراقی حکومتی موقت تشکیل شود و امور عمومی عراق به طور موقت اداره شود تا آمادگی پذیرایی یک حکومت دموکراتیک آرام آرام فراهم شود که به ۹ تا ۱۵ ماه وقت نیاز هست. اتفاقاً این موضوع هم در قطنامه ۱۴۸۳ شورای امنیت مورد تأکید قرار گرفته است که حکومتی تحت کنترل مقامات جدید آمریکا (پل برمر) در عراق برسرکار آید. پس از این زمان، فرآیند انتقال قدرت به یک حکومت دموکراتیک براساس انتخابات آزاد، معیارهای

مشارکت سیاسی و بلوغ فکری و سیاسی در عراق صورت می گیرد.

پس از این دو مرحله، انگلیس و آمریکا نکات و اصول بنیادینی را از عراق انتظار خواهند داشت و در صورت عدول عراق، برخوردی جدی از سوی آن دو کشور صورت خواهد گرفت. آن اصول عبارت اند از:

۱- پیروی از لیبرال دموکراسی؛ ۲- توجه به اصول بنیادین حقوق بشر؛ ۳- ساختار سیاسی دموکراتیک که از مؤلفه هایی مانند مذهب، قومیت، سنت و ایدئولوژی متأثر نباشد؛ ۴- هماهنگی با جامعه بین المللی در زمینه مسائل مربوط به حقوق بشر و مسائل انسان دوستانه؛ ۵- همکاری با آمریکا و انگلیس و به عبارتی کشورهای شمال برای رویارویی با تروریسم.

○ تعاملات کشورهای همسایه و

اسلامی با عراق در زمینه حقوق بشر

چگونه خواهد بود؟

● فکرمی کنم که این تعاملات بیشتر واکنشی است، چون قدرت ایجادیک چارچوب حقوق بشری در داخل عراق از سوی این کشورها بسیار محدود است، زیرا قدرتهای بزرگ برای اعمال نفوذ کشورهای اسلامی چنانچه مغایر اهداف، منافع و آمال آمریکا باشد، محدودیت و مشکل ایجاد خواهند کرد. بنابراین آنها می توانند صرفاً از خود واکنش نشان دهند در برابر چارچوبی که از طرف قدرتهای بزرگ



کنوانسیونهای حقوق بشر چه وضعیتی خواهد داشت؟

● پیش تر به این سؤال نسبتاً پاسخ داده شد. در این زمینه عراق گام به گام حرکت خواهد کرد. من فکر نمی‌کنم که عراق فوراً به هر ۱۲ کنوانسیون پیوندد. این کشور تا به امروز ۳ کنوانسیون را تصویب کرده و به ۲ کنوانسیون هم ملحق شده است؛ پیوستن با امضاء شروع می‌شود، سپس الحاق و در نهایت تصویب صورت می‌گیرد. حرکت گام به گام مسلماً با عضویت در کنوانسیونهایی شروع می‌شود که کمترین اختلافات و چالشها را با پیشینه تاریخی، سنتی و فرهنگی عراق داشته باشد. با توجه به اینکه عراق چند دهه تحت فشار استبدادی، ستمگرانه و دیکتاتورمآبانه حاکمان سیاسی قرار داشته است، احتمالاً رفتارش ابتدا افراطی خواهد بود و دوست دارد که همه چیز را تصویب کند، ولی این علاقه‌مندی به معنای اجرای فوری همه آنها نیست، بلکه اصل «تعهدباوری» و منافع ملی موجب می‌شود که با منطق هزینه - فایده و منطق پاسخگویی به جامعه بین‌المللی به این کنوانسیونها نگاه شود. بنابراین همان‌گونه که گفته شد، با توجه به اصل فرهنگ، سنت، پیشینه و نیازها، جامعه عراق گام به گام بررسی را در مورد پیوستن به بقیه کنوانسیونهای حقوق بشری آغاز خواهد کرد و فرآیند پیوستن شروع خواهد شد.

(آمریکا و انگلیس) تعیین می‌شود و همین‌طور فعالیتها و انتظاراتی که سازمان ملل متحد در زمینه حقوق بشر از عراق دارد.

اما این کشورها چه می‌خواهند و دست کم چه واکنش و انتظاری دارند؟ یک چیزی که تقریباً همه کشورهای اسلامی متفق‌القولند، اصل چند فرهنگی و میان فرهنگی بودن (Cross-culture) حقوق بشر و همین‌طور نسبی بودن آن است. آنها دوست دارند که عراق همچنان یک کشور اسلامی باقی بماند و با کشورهای اسلامی در این موضوع، در داخل کمیسیون حقوق بشر یا در دیگر مجامع حقوق بشری، هم صدا باشد، کشورهای اسلامی در بیشتر مجامع بین‌المللی یک جبهه سیاسی یکپارچه در زمینه حقوق بشر به وجود آورده‌اند که بعضی از آن به عنوان «گروههای هم فکر» یاد کرده‌اند. آنها همان اهدافی را تعقیب می‌کنند که قبلاً گفتیم و نیز توجه به حقوق بشر اسلامی را دنبال می‌کنند. کشورهای اسلامی دوست دارند که عراق آینده همچنان شریک آنها باشد. انتظار دیگری که می‌توانیم نام ببریم، مواردی است که به منافع ملی کشورهای اسلامی و همسایه در داخل عراق برمی‌گردد؛ مانند رعایت حقوق شیعیان یا اهل سنت، و رعایت حقوق اقلیتهای قومی و شاید دینی.

○ با توجه به تغییر دولت عراق، به نظر شما، عضویت و جایگاه این کشور در

۱۳۰

